

صفات نفسانی عمل کننده «۲»

د. جهت گیری نفس نسبت به آینده

اکنون از صفات نفسانی عمل کننده به آن دسته از صفاتی که انسان را متوجه آینده می کند می پردازیم:
نخست از موضع پسندیده نفس در قبال آینده و سپس از موانع و آفات آن سخن خواهیم گفت.
این جهت گیری در قالب مفاهیمی به شرح زیر شکل می گیرد:

این جهت گیری در قالب مفاهیمی به شرح زیر شکل می گیرد:

الف. حزم:

حزم در لغت به مفهوم عاقبت اندیشی و محکم کاری و استوار و متقن نمودن امور است. که لازمه آن مشورت با صاحب نظران ، استواری و قاطعیت در تصمیم گیری، توقف در موارد مشکوک، احتیاط و عاقبت اندیشی است.

به این ترتیب یکی از مجاری مهم «حزم»، آینده نگری و دور اندیشی است. از این رو در متون اصلی اخلاق اسلامی از «حزم» با اوصافی همچون زیرکی، نوعی سرمایه و بضاعت، هنرمندی و یکی از صفات مومنان، یاد شده است.

ب. کوتاه کردن آرزوها:

انسان ها به مقداری که در آینده برای خویش بقا و زندگی انتظار دارند، حوزه آرزوهای خویش را ترسیم می کنند. در اخلاق اسلامی تلاش شده است که آرزوها انسان و انتظار او را نسبت به دوران باقیمانده از عمرش، بر اساس واقعیات طبیعی و ملاک های ارزشمند اخلاقی شکل گیرد. از یک سو به انسان هشدار می دهد که هیچ تضمین و اطمینانی برای زندگی فردی او وجود ندارد و از سوی دیگر به او یاد آور می شود که همت خویش را بلند دارد و منزلت انسانی خود را با خور و خواب و لذت های زودگذر و مناصب اعتباری و ستایش کسانی که حتی مالک سودوزیان خویشتن نیستند، سودا نکند. توصیه اخلاق اسلامی به کوتاه کردن آرزوها در راستای همین هدف است. عالمان اخلاق، آرزوهای دراز بر دو پایه استوارند: یکی اعتقاد به عمر طولانی و دیگری تمایل و رغبت به بهره مندی از لذت های دنیوی و راز مدت. بنابر این آرزوهای طولانی، موجب جهالت انسان و غفلت او نسبت به مرگ از یک سو و محبت و دلبستگی او به دنیا از جانب دیگر است. و این دو نه تنها خودرذیلت اند، بلکه کلید بسیاری از رذایل اخلاقی می باشند.

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی مجازی نور طوبی می باشد

ج. یاد مرگ:

توجه داشتن به مرگ و اعتقاد به اینکه زمان بهره مندی از دنیا بسیار کوتاه است در تربیت اخلاقی انسان بسیار موثر است و جهت گیری نفسانی ما را نسبت به فردا سامان می دهد. امام باقر (ع) نقل می فرمایند که از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: زیرک ترین مومنان چه کسی است؟ رسول خدا (ص) پاسخ دادند: « کسی که از همه بیشتر به یاد مرگ بوده و بیشتر از همه خویش را آماده مرگ کرده باشد. » امام علی (ع) فرمود: «آنگاه که نفس هایتان شما رابه سوی خواهش ها و شهوات می کشاند، مرگ را فراوان یاد کنید که مرگ بهترین واعظ است. رسول خدا بسیار اصحاب خود را به یادآوری مرگ سفارش می کرد و می فرمود: مرگ را فراوان یاد کنید. زیرا که آن بر هم زننده لذت ها و حائل میان شما و خواهش ها است»

د. همت بلند:

اسلام از یک سو دعوت به کوتاه کردن آرزوهای دنیوی میکند، از سوی دیگر حس آرمانخواهی و همت بلند آدمی را به سوی آمال و آرزوهای الهی و ارزشمند جهت می دهند و نه تنها صاحبان همت های بلند را مذمت نمی کند، بلکه آن را به عنوان یک فضیلت اخلاقی توصیه می نماید و بلندی همت را در طلب دوستی و محبت خداوند می داند، چنان که امام سجاد (ع) در مناجات با خداوند می گوید: «پروردگارا، مرا پیکری روحانی بخش و دلی آسمانی و همتی پیوسته به تو و یقینی صادق در محبت به تو.» و در مناجاتی دیگر عرضه می دارد:

«ای کسی که عارفان را به طول مناجاتش مانوس کرد و جامه ولایت و دوستی اش را بر قامت ترسندگان پوشاند. کی شاد شود کسی که همتش متوجه جز تو باشد و چه وقت بیاساید کسی که عزم و اراده اش جز تو را بخواهد.»

موانع و آفات

عمده ترین آفات و موانعی که در مقابل جهت گیری مطلوب نفس انسان نسبت به آینده قرار دارند، به قرار زیر است:

الف- آرزوهای دراز

ب- دون همتی

ج - جهت گیری نفس نسبت به مواهب دنیوی

زهد

یک. مفهوم و ماهیت زهد

زهد عبارت است از اعراض قلبی و عملی از دنیا، مگر به مقداری که آدمی بدان نیاز ضروری دارد.
به عبارت دیگر زهد یعنی روی گردانیدن از دنیا برای آخرت و از غیر خداوند دل بریدن.
زهد نسبت به کسی صادق است که امکان تحصیل دنیا و برخورداری از آن را داشته باشد. روی برتافتن او از دنیا به دلیل پستی و حقارت دنیا نسبت به آخرت باشد.

درجات زهد

۱. فرد به دنیا پشت می کند، در حالی که به آن تمایل دارد.
۲. او در واقع مبادرت به یک معامله کرده است و چیز کم ارزش تری را به انتظار رسیدن به کالای ارزنده تر از دست می دهد و البته از این معامله خشنود است.
۳. بالاترین درجه زهد آن است که تمایل انسان به دنیا آنقدر کم باشد که اصلا احساس از دست دادن چیزی را نکند.

آثار زهد

قناعت ، عفت و بی نیازی از اموال مردم

۱. قناعت:

در ادبیات عرب، قناعت به مفهوم راضی شدن به مقدار اندکی از بخشش و رضایت دادن به سهم خویش، به کار می رود. در نظام اخلاقی اسلام به شدت مورد تشویق و ترغیب واقع شده است. در قرآن کریم آمده است:

و زنهار دیدگان خود را مدوز به سوی آنچه اصنافی را از آن برخوردار کردیم (و فقط) زیور زندگی دنیا است تا ایشان را در آن بیازماییم، و (بدان که) روزی پروردگار تو بهتر و پایدار تر است. امام علی (ع) درباره ارزش قناعت می فرماید: «توانگری راجستم و آن را جز در قناعت، نیافتم. قانع باشید تا توانگر شوید»

قناعت (ادامه)

قناعت نه تنها خود یک فضیلت اخلاقی است، بلکه ارزش های اخلاقی فراوانی را در پی دارد.

امام رضا (ع) هنگام پاسخ به کسی که از حقیقت قناعت از او می پرسد، به این آثار اشاره می فرماید:

قناعت باعث خویشنداری و ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون خواهی و بندگی در برابر دنیا پرستان است. راه قناعت را جز دو کس، نیپیماید: یا عبادت پیشه ای که خواهان مزد آخرت است، یا بزرگواری که از مردمان فرومایه دوری می کند.

در واقع آدمی چاره ای جز قناعت پیشگی در دنیا ندارد، و در غیر این صورت همواره در آتش حرص و حسرت برخوردار می شود.

مردی به امام صادق (ع) شکوه کرد که طلب روزی می کند و به دست می آورد، اما قانع نمی شود و بیشتر از آن از او می طلبد و عرض کرد: مرا چیزی بیاموزید، که مشکلم را حل کند. حضرت فرمود:

اگر آن اندازه که کفایتت می کند تو را بی نیاز سازد، کمترین چیز دنیا بی نیازت می سازد و اگر آنچه تو را بس است، بی نیازت نسازد، همه دنیا هم تو را بی نیاز نمی گرداند.

۲. عفت و بی نیازی از اموال مردم:

در ادبیات عرب «عفت» به مفهوم خویشتن داری در مقابل شهوات و امور ناپسند است. علاوه بر عفت جنسی و عفت در کلام، از جمله موارد کاربرد عفت در ادبیات و متون دینی خویشتن داری از اظهار درخواست به دیگران می باشد.

امام صادق(ع) در باره جایگاه بی نیازی جستن از مردم می فرماید: «شرف مومن به شب زنده داری و عزت او در بی نیازی از مردم است» و امام علی (ع) در بیان این که بی نیازی از مردم به مفهوم عدم معاشرت با آنان نبوده و مغایرتی با حسن سلوک با آنها ندارد، فرموده است:

باید در دل شما نیاز و بی نیازی از مردم هر دو با هم جمع شود نیاز تو به آنان در نرم زبانی و خوشرویی تو نسبت به آنها است، و بی نیازی در حفظ آبرو و باقی ماندن عزت می باشد.

موانع زهد ورزی

مانع اساسی در مقابل زهد ورزی و پارسایی محبت انسان به دنیا است که حرص و طمع از آثار آن می باشد.

الف- حرص ورزی به دنیا: در فرهنگ عرب «حرص» به مفهوم خواست و اراده شدید در طلب شی مطلوب و محبوب است. حرص ورزیدن در تحصیل نیکی ها امری پسندیده است. حرص بودن در علم آموزی و فقاقت، انجام اعمال نیک و پسندیده، جهاد در راه خداوند، تحصیل مقامات و درجات اخروی و امثال اینها، مورد ستایش و تشویق قرار گرفته است.

ب- طمع ورزی: طمع در لغت عرب به مفهوم اشتیاق از روی شهوت و خواهش نفس نسبت به شی است.

ج- خمود: خمود عبارت است از سستی و تفریط در کسب معاش ضروری زندگی و سستی و بی رغبتی در بهره مندی از لذت های جنسی و سایر لذتها. آیات و روایاتی که در باره ستایش دنیای پسندیده بیان شده است، همگی دلیلی بر نکوهش خمود و سستی در کسب نیازهای ضروری زندگی است.

و. جهت گیری نفسانی نسبت به دیگران

جهت گیری مطلوب نفسانی انسان را نسبت به دیگران می توان بر محور دوستی و دشمنی برای خدا سامان داد. دوست داشتن دیگران یکی از خواهش های نفسانی انسان است. اگر این محبت خود مقدمه ای شود برای رسیدن به محبوب اصلی یعنی خداوند که در نتیجه کمال انسانی را در پی دارد بسیار پسندیده است یعنی از عشق مجازی به عشق حقیقی رسیدن. اما اگر محبوب مجازی خود هدف اصلی باشد مذموم و نکوهیده است زیرا عشق و محبت مجازی فانی است در نتیجه انسان به وسیله آن به کمالی محدود دست پیدا می کند در حالی که خود نامحدود آفریده شده است و هدف از حقیقت آن رسیدن به محبوبی نامحدود است.

دو. فضیلت محبت برای خداوند

دوست داشتن برای خداوند در اخلاق اسلامی جایگاه بلندی دارد و فراوان به آن توصیه شده است.

امام صادق(ع) می فرماید:

روزی پیامبر اکرم (ص) از یارانش پرسید: « کدام یک از دستاویز های ایمان محکم تر است؟ » گفتند: خداوند و رسولش داناترند. برخی از آنها گفتند: نماز. عده ای پاسخ دادند: زکات. گروهی گفتند: روزه. پاره ای حج و عمره و برخی جهاد را محکم تر دانستند. رسول خدا (ص) فرمود: « همه اینها فضیلت دارند. ولی هیچ یک از آنها محکمترین نیستند. بلکه محکمترین دستاویز ایمان دوست داشتن برای خدا و دشمنی ورزیدن برای او است. دوست داشتن دوستان خدا و بیزارى جستن از دشمنان خداوند. امام باقر (ع) نشانه بهره مندی انسان را از خیر و صلاح، دوستی برای خدا می داند. آن جا که می فرماید:

هر گاه خواستی بدانی که در تو خیری هست به دلت نگاه کن. اگر اهل طاعت خدارا دوست و اهل معصیت خدا را دشمن داشتی. در تو خیر هست و خدا هم تو را دوست دارد. ولی اگر اهل طاعت خدا را دشمن و اصل معصیت خدا را دوست داشتی خیری در تو نیست و خدا نیز تو را دشمن دارد. انسان با کسی است که دوستش دارد.

سه. آثار محبت برای خداوند

۱. نصیحت و خیرخواهی:

نصیحت و خیرخواهی در مقابل «حقد» و «حسادت» قرارداد و مراد از آن این است که انسان نسبت به بهره مندی دیگران از نعمت های الهی خشنود بوده و رسیدن بلا و شر به آنان برایش ناخوشایند باشد. لازمه این خیرخواهی آن است که آدمی دیگران را نسبت به آنچه خیر و صلاحشان در آن است ارشاد و هدایت نماید.

۲. خوش بینی به مومنان:

از مفاهیمی همچون حسن ظن، انصاف و جوان مردی و مروت نیز می توان به عنوان آثار محبت برای خداوند یاد کرد. قرآن کریم می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که پاره ای از گمان ها گناه است» بدیهی است که مراد از گمان هایی که باید از آنها خودداری کرد، گمان های ناروا است، یعنی سوء ظن. همچنین مقصود از خودداری از ظن، ترتیب اثر ندادن به بدبینی های خود است. با توجه به ادامه آیه به نظر می رسد که اگر آیه تنها ناظر به نکوهش بدبینی به مومنان نباشد، حداقل مذمت بدبینی به آنان و در واقع تشویق به خوش بینی نسبت به مومنان، بخشی از مراد آیه است. امام علی (ع) در ضرورت خوش بینی به مومنان می فرماید: رفتار برادرت را به بهترین وجه آن حمل کن، تا زمانی که کاری از او سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد. و هیچ گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، تا وقتی برای آن محمل خوبی می یابی، گمان بد مبر. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در باره آثار نفسانی خوش بینی می فرماید: «به برادرانتان خوش بین باشید، تا به صفای دل و پاکی طبع دست یابید.»

چهار: موانع دوستی برای خداوند

۱. حسادت:

انسان در دل تمنای محرومیت کسی را از نعمتی که استحقاق آن را دارد، داشته باشد. ولی هر گاه آرزو او داشتن نعمتی باشد که دیگری از آن برخوردار است، به چنین حالتی «غبطه و منافسه» گفته می شود، و اگر نعمتی را که تمنای زوال آن را از فرد مسلمان دارد، برخوردار از آن به صلاح آن فرد نباشد و مثلاً موجب کشیده شدن او به فساد و تباهی گردد، چنین حالتی «غیرت» نامیده می شود. بنابراین «غبطه و منافسه» و همچنین «غیرت» حالات نفسانی ارزشمندی است و تنها «حسد» که در مقابل نصیحت و خیرخواهی برای دیگران قرار می گیرد، رذیلت اخلاقی به شمار می آید. واژه «حسد» در قرآن پنج بار به شکل های مختلف مطرح شده است که همگی صریحاً یا تلویحاً دلالت بر مذمت حسد دارد.

حسد (ادامه)

به گفته قرآن مجید، کافران از شدت حسادت نسبت به مومنان، آرزو می کردند که بتوانند مومنان را بعد از ایمان دوباره به کفر باز گردانند: «بسیاری از اهل کتاب- پس از این که حق بر ایشان آشکار شد- از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند.»

عالمان اخلاق برای حسد مراتب و درجاتی را به شرح زیر شمرده اند: حسادت، عواملی دارد که مهم ترین عوامل حسادت بدین شرح است:

۱. پستی و پلیدی نفسانی
۲. دشمنی و بغض
۳. ریاست طلبی و علاقه به مال و مقام
۴. ترس از نرسیدن به اهداف
۵. عدم تحمل برتری هم ردیفان
۶. تکبر و بزرگی فروشی
۷. شگفتی و غیره منتظره بودن بهره مندی دیگری از نعمت های بزرگ

۲. دشمنی برای خداوند

مراد از دشمنی برای خداوند آن است که انسان کسی را که در مقابل خداوند عصیان و سرکشی نموده است، دشمن دارد. البته همان طور که معصیت خداوند دارای مراتبی است، دشمنی برای خداوند هم مراتب و درجاتی دارد. سرکشی در مقابل خداوند گاهی با عقیده است، مانند کفر و شرک و ورزیدن و بدعت گذاری در دین. گاه با گفتار و رفتار، توأم با آزار و اذیت دیگران است، مانند قتل و ضرب و جرح و شهادت دروغ. گاهی نیز موجب آزار دیگران نمی شود. نوع اخیر گاهی موجب فساد دیگران است، مانند فراهم کردن ابزار و وسایل فساد برای دیگران، و گاهی به فساد دیگران نمی انجامد. قسم اخیر، گاهی گناه کبیره و گاهی صغیره است. دشمنی ورزیدن نیز دارای مراتب و درجاتی است: از قبیل دوری جستن و جدا شدن، ترک گفت و گو و سخن گفتن، با درشتی سخن گفتن، تحقیر و اهانت، پیروی نکردن از او تلاش برای بدی کردن به او و سعی برای بر نیامدن نیازها و آرزوهای او.